

اخطر

بمثمر کین مهترم و تکری و شیاهی روزنامه مردم در شهرستانها
نظر بکرانی دود افرود همچنان کاکله و مدرار چاله و سفت به انتقال
روزنهای متوسله یکبی مثمر کین و تکری و شیاهی این نامه مرائب زیرین
اختصار سکرده

۱- اسپلیت فروش مالهای کمیته و همین باید اشتراک دو روزنامه باشی
حد اکثر نای آمر مهر ماه تغییر شود و چه آن باشد صورت سبک کلم
با ادرس روزنامه ارسال گردد.

۲- از این سید بزر سبک فروش هر ماه باید نای بده ماه تغییر
و ارسال گردد.

در صورت هم رعایت مرتب حقوق از ارسال و وزن نامه با ادرس آفای
مشترک کن و تکمیل شود درای سه احمدخا.

جلد اول کتاب

امیر المؤمنین علی علیه السلام
تالف و ترجمہ، هرث بور منشرشد در کتابخانه
و متواضعاً بهای ده و بال خردباری ساید.

عرق ۵۳۰ زیر دریائی محور
ملقات اسمو تر با مائیسکی
نظریه شخصی کیمی در باره جهه دوم

لندن - خبر گزاری اینکش
خبر مقدمه کاسکو وور در بارگزاری
تکنسس نطنی در لئن ایران کرد و
علی آن بوق خود سمعن معمن امیری
واراه هنگ سود و چین گفت: ما
تره اوقات شماره اشتنهای دست را
که خانی شویش دکر است یکنیم و از
که خانی که خانی باید باشد
از: مشهد خود را از منابع
آغاز این اطبار داشت ام با این حال
نهاد من هم گفته من چیزی در این
خصوص اشنا کم و نگویم که از آنها
بیش تا گونه هست از اینها و
که نیز در قدری خوب را در عرض نمود
که خانی را آسپ رسیده ام با مایه
دوشی گردید. این یک جز آنت
نم است که بعده بروی شوروی
باون گرفته از ناچیان سال ۱۹۶۲
که شاهزاده امیری که از این
بلات را برای این مدنیان متفقین گردید
و این آمار منشی سایه ای
مکوی در ازمه میانی که این میانی

در جنوب نوروسیک آلمانها عقب رفتند
در ناحیه مزدوق حمام آنه در هم شکست
در سایر نقاط موافقهای محلی با شوریویت

مسکو، درست جوب در چه
فرم شد. هنگ که از استان گرداد
خواست. در طرف بود و آنچه
سر پاک گردید که از آن ممتاز
بود. توکوس منشی مذکور ممتاز
بود. هر روز بازار دارد. هزار از
آنها از این بازار خواستند
که از آنها چشم کرند.

سرچ کو تو پور و چون سملل
مندانه مهمن طبیعت گرفته بیکسته
از حکم خود بر نظر نهاد که در زمان
منشک متغیر علیاً اند با تقدیر و شنید
را که عالی بیرون و معمم بوده و
کلمه و اکه های آن ممتاز را خوب
گردانید.

مسکو — درجه لیکاراد و ز
هوازی برای اعزام اساتید در آستان
پنج دنده های شروع شد و این دارای در
برخ رسانی برای کارکنان حکومتی است
ظاهر شروعی چشم دمکته را از
وجود هماهنگی داشت که در همانه

جهات خاوری او روی سیک.
سامع شروع و نتوان گرفت سرچ
که در دربایی سه سیار بوده
که کمال مأولان عسکرها هستند
و در مأموریت انتزاعی استفاده

خدوت و با آنکه کشته جا
حدت نشسته است که ایوان
رئاسه هر که مدعی شد
کشته هزار کارکن ساخت
ن خود را زبان اسرائیل می خواهد
در شوراهن شویش بیرون و

الغای حکم دادگاه جنائی

با خودی ترقی شده است

(هر) یک کوه برای از تک این
کل کار را کنکت شده است بار ای
حکم داد که همان متنی است و ای
داد که باید دوباره موضوع و فو
سوه مصدحان پایان را درست که
آنکارا - چنانکه خوش گزار
الکتس اضلاع پیغمده است زیرا
نظر در سکتمی که سه گویند چهار
در چهار روسر و از اخراج نیز
که منتهی به اماقین سر بر طبق
پایان مضر کش آنل و دندان
شده بود از طرف کله محلل نز
که دریافت مساحت هر دو روی از
آن داد و می سه هم و این اینک
خوش گفتوانی لطف شده است.
و اگر که این انتشار باشد تا بعد
سوال کرد که داد و می سه هم و
اشتباختی را که در جریان حکم
روی داده بیان شوده است چه ورا
دانوسی تجذب کرد و اگر داد و
حکمی متفق است که وای داد که
روی کمال فعل و این اینکه صادر
باشد همان دعوا مقدمه بر دارد
امان طرح شده و مکن مادرانه
طور اگری دره موردنی که دوباره
داد که باشد تجذب هر شوی درست که
جهوا بین باید تجذب کرد

ویلکی نطق خواهد کرد

ملاقات استندی با کردن هول

پلکار کرد.
هر گز ای ای مراد که نمی خواست
آنها را بگیرد می کنم اطمینان دارم
و ای سرمه نگران کنی می سم کشید
می بینم که مغایر کند و از آن در
خدی معلوم است آن کس که مغایر
دهد با من خطاء فی کی لاو ای ای مراد
کرده ای ای مراد ای ای مراد
هر گز ای ای مراد می گیرم که لاو
کنم که چند هزار کم بر یک سرمه
ساقرات آن شود آن وقت زیل
ایران می سوامده داشتند هزاران

گودریان کشته شد

لماها دراستالين گردد پيشرفت نکر دند
و بزد های هوالي سخت از سر هر راهه شد
خلال استال-گان و دله استال-گان و سکا

شوده بحال خود باقی میماند
و دسته ساختهای که تازه به
نمازخانه آورده اند برای آنها نسبت
نه تالک و چندین هزار تن
نموده است، در سوریه
آنکه در این راستا پیش از

میتوانند از مکانیزم هایی برای تحریک خود استفاده کنند که در اینجا معرفی نموده شدند. این مکانیزم هایی میتوانند این را که خود را در مکانیزم هایی که مخصوصاً برای این منظمه ها معرفی شده اند، بگذرانند. این مکانیزم هایی میتوانند این را که خود را در مکانیزم هایی که مخصوصاً برای این منظمه های معرفی شده اند، بگذرانند.

چنانکه هر گزروی
نهاده باشد و پلوریتی
و سله است که از نظر
نیازمندی این را می‌دانند
که خاتمه شهرها باشند
هر چند اینکه باید با ازبکی
گذاشتن اینها در خود
آنکه اینها را تجذیب
نمایند و این را اینکه
همانیست با اینکه اینها
و اینسانه اگر می‌باشند
آنکه اینها از اینها می‌باشند
و اینکه اینها از اینها می‌باشند

کارگران فرانسه

در صورت لزوم باسلحه متول میشوند
مشکل لاواز و پیام دوستی داشت فرانسه

صلو لاؤال و یهان دو مک ایک فرائی

اعراضی همه کی از آنها + آنکه	او اخلاق خوب گزیند
فقطی که نمود مطمئن ساخته و ر	دوست داشت + داشت
اعراضی مخصوص در صورت ایجاد	فرماده شد + داشت
نمودن ایجاد	پنهان داشت + اسراری
لذتی - طرف اظهار خود گزیند	ترسناک نداشت + زیارتی
فرماته آنرا + فرماده مولوی +	عراحتی سر همراه

میتوینه
از همانکه که بیش لارا نداشت
کل کرگن هر راه ایران را سوی خود
و اخلاق امور دولت و پسر و دختر
منتهی هر راه خوبی آشنا میگردید
لارا مونگ کل طبقات با خود همراه
مطابق آشناست که همه برای این مهر
کل کرگن آموده اند این هی خود
در هنر لارا درست داشت که

شماره اخراج و پاسخ مدنی
مال این طبق حق و حق و داد و داد
دوم (دو) مواد موجود است در شرکت
مالیه: دو بیست و دو مواد (دو) از این
پیش داشت که مبنای رنگ کار گزار
مالیه است: این دو بیان کنند که مدنی داشت
ماجرات بود: این بخوبی مدنی داشت
ملت فرانسه مطالب وی می‌داند.
من طبق موافق و معلم و این
کلرک کاری متناسب شد و هم کن با
لعل و من عذر انتبه را
درست که نهاد: این مطلب شورای
نهاد: با مسئله اصرار

سقوط باستیل

۴- فرس و ماری آنوات
له چه هاش را پهلوی خود دید، ن
جای داده و طرف دوازه من مارون
صدار دروازه گذشته و جانه مردا
که برای این مسافت درست شموده
لو شلاق بیزد . پشت سرمه از او
ان محمد

ترجمه: ناصر ونیزی

二二

ل باستیل
ن و مارک آنداز

نامانیکوی دست به داد بود رسم و اوضاع
برادر داشت از کاسکله، بیرون پایه که ناگاهی
نهاد کار که نهاده را خالقون گردید و آرا
اسراران شد شاهی چنانی کاسکله همینه
اسرار معموم هم جو خواهد بود و تواند توانی
روز و زیراه کند مراریها سحله تویی کاسکله
که کرد شاهی شدت و همان وا در دست آنها
شناخت. سرعنی مثل ملک میتواند از این در
و از آن کشته شد تاکنی کش هم بقیه
ساخته دسته نهاده همی از روی ساین گردید
دو روشنایی میهم طلوع آتشی همیوت و
وارد همکده شد - شش شب نهاده هم

مصادرب نو و پیر باش ریاضی میداد - یا
پیغمبر کالسکه آمد نم ساختکن ملکه -
براهم مواده خدا گهوار گفت شاید وست
بازی آشی اشکنی خار و آشی داشت که ۳۶۷
شل خواسته آرا در آنکه داشت کالسکه
د چایلارها او را اشنا میگردید کالسکه در
بدهد شد - آنوقت مرس نهضه فراز و امیری
۱ میل دیگر در سول و شوالی بیا سواران
نهضه - دامانها سوارانش در سنت صوفه له
مدون - نازم سواران پیشتری در واژت
کسکوتون در زرگ که اند اند مرغونی می
بودند - و آخرين مرسمونی که این سافرت
ست - مرست چشمیش و از روی جاده
بخواست از میل سیمان به لبورهه بروند و
آنوقت دوزویزند در سنتندی بختواره
طرف ابورهه روانه - چهار ساعت و نیم

لخت نای این لی برمه همینطور که مرسن
لی تکن محدود و پیش میرفت در گام
مشهدت مخصوص باعث شوال اوی میرود
مالی است - دادویر باید نو کرها خدمتگذار
نمای هزار گزنه آن اینستی بلور گرد
پاک پاسن کند و بودن شده و ملکه غراون
اد سلطنت از تو پریز به کوچه های دور
لخت نای این لایانه با حضله بست کاخ سربران
نه و نهیده مشتود

از پیش از بود آمد و مطلع جانه کنم و
آنرا که که طرف یا قول برگشت
لایه طواب است.
در عده بست ملوان خود را آزاد نمی خس

سیار خوب .
کل آنود خود را باز یا مبکت .
محل جود - در این اواخر کفرخانه بردن
و حوصله اش سر همراه

موده و دسته طایف سکیں سخونت دا
لکھنئے شدہ با پیچہ هن ، آهنگی
اسکنہ میکردا ، فوبلے دائلر خنوار

شب و هشت روز ساهم [نه گانی]
آن جملی ممتاز بود + او برای اولین]
کل از میوان فرا گرفت و آن روزها
دست و سرمه کشیده پشار آمد

فاثیتہ اچھے گوئند؟

ن شیرخاچ بیهوده اظهار نموده است
که ما از ذکر کلکات «صلح و آسی»
مود داری خواهیم کرد زیرا از این
کلکات یعنی های راهنمایی کمک امید نداشتم
که خواهان در مغلبی پذیرد و بگذراند
بین سوکنهای کلکات و دروس کند
دوش خون مود را از آن هتلدارانه
همان خوبی که اگر کوئن دوسته شاید بپایان
تزویج باشد آنها شده و همان
که بروند و خودانی دوون و لولک و دستبران
آر برانی خود را برمدند.
بلی همین خون!
آیا دروزی خنوارهند بد که ملت
آذن افغان همین خونهای شناخت و بعثت
شماره از اسرائیلیان «شیشا» یکدیگر
که خود را برمدند و بزیر میگردند
و هر این من کاری که ملت خون خود را
شیرخاچ از آن هتلدار نهاده است خوبی که
از عرقون نوهد آلان جازی شدم است
تا نامن هر کوئن اتفاقی را از خبر نمی
شانند.

مانند امریکا دارد احتمال ساخت کبریت
لوله بود.

والله ساخته‌ها مانند هرگونه
حقیقت رعایت‌ها باید شود ملاوه دو
برای اینکه وسائلی را حصل کرد ممتنع
و باید از این اشیا استفاده کرد و این
نهندر و پیچ هزار نوبت مجاز
ساخته هم اینطور نیست شاید با
عفای غیر مجاز ساخت کرد باشد

آنچه درین حقیقت خواهد آمد این است
که این اجراء صرف این مصالحیون
و زبان هم نباشد بلکه مصالح تدبیر
و درین موقوفت فراز کردند (صوم)
نامنده گشته این خبر است همچو
موقوفت شده است.

هر جال چون مرقد شادی خواهد بود
حکایت خاتمه چیزی بگیرم تا این‌جا زدن
دو دیگر از این محل انتهاست ...
(آنچه گذشت آنچه بخت و زیارت بهمه
شده و للاحته محو گردید)

سد ایشان آنچه فراموش می‌باشد
شریعه درین موقوفت ایجاد نموده است
دانش از طرف روزگاری سخن مطلق
شده ولی گزین کرد خود و درین ایشانه
مقدار از این اشیا که نظرها و مکرره
پیش از این اشیا نیست این ایشان
قیام و قویایی گرفته و اینکه موذنکه
کشیش و مسخر و خوار و از این ایشانه
اعذار و خود و برای این ایشانه
فرموده باشند مسخر کردند
که با چنانکه خود نموده ایشان
نهندر و پیچ هزار نوبت مجاز
ساخته هم اینطور نیست شاید موکول به

نه و مهودان پالر ناهه بروون سیگاره ره عطش ناشد. بروون میگذاره
لئن دندنهه شی کسی فوره که اسد.
نه کوچک کوچک کوچک اون و سده باخراسته بوله بوب با هر هزار میگزید.
پاپول میان همینه. میوه غیرین که شفعت بالسان داره باشسل و روی
فراری میزد. پاپول بیوه اهدیه کرد. ولی هایی بیست و نیمه که کجا
صدای دیگران های میشنل طوق و مدت آوری آنها می شود.
شنه بچه دراز هفت مثوازی می ازد.
باش از دندنهه بروون بینه ترورت بیزمه میانه. میوه اهدیه از
حسر و سعادتی جزو پیام است.
اول در خانه اشها بود.
مانو پیش بصر برگشته و ده بود که شوهر اش برگشته شده بست
لی اشتن که میگزید. آنکه هم در هر ترورت آنکه میگزید که با یعنی
محضر حمام شده باشد که
اصنعت از مردم میگزید. راه بکوته.
پاپول صدمه بپرگزید پیغمبر کرد و بی شارکه مدارد.

شیخ اوزیش پسزه هر کنک گرد و مدنای خشن و حمکت
نمای از هزاران
دو دست پاکین پسزه را گرفت و سرمهور در میانی باون بالا آمد و
حکم
من آتمام... شنید رایش پوی سام... غلوی میکنی! برادرچان
باون دوسته هیجان
الله میگار میشود دران موضع گمکنی هم گرد... میباش از
باون بالا هیچکل تنوسته خود را از داخل پسزه را وارد نه
همهور فاختت بر زن خود شلوپ پسزه را گرفته و مدنای از جلویان را داشت

فولاد آبادان
۱۰۰۰ شده
فصل پنجم
۳۳
سچه هارا میگشت هایزرسونه بروک پلیمر هاتکنر مآور دنهان
سچه های اسندر شدیده دارد در قسم طبقاتی گفت کوچک با اسندری عرض
با اسندری بود
کسره در چشمی سوس اخاذه بودند اعلی بهودی ازان آتش موقوف
مکاره کشته شدند و اینکه سیرینه و در عالمی مفتر مخالفت بهودی شدن
مکاره کشته شد
پوششی براحتی و آگاه از دور میگردید این اشاره ایوب گویی میگردید
که در درجه اول این چشمیان فوریتی میگردید جات و زد موردنی از کار است
که کسان را آهان ایستگاه بمعن اطراف و آرزوی درین کاری
که از این میگردید
عده های مکوت متعال بود
عده های مکوت متعال شدیده
۰۰۹
نمی است آزاد و ظاهر

برجه: شهابی هرچند مردک مچش و سیم بر شود از خارش که از
ست پیش و مردم مجهوره کوچوار و حاشا هست مردک گرد و
که مطر افغانستان دو کوچک و شکستن گرفت بیویش پایش
نمیگرد است

آن خروج و خواب، میدان: (دوچه) موافق با پادشاه شنیده و اخ
نک، میکن است روپن شدن هرجای آتش و قلقل را پشت مردانه
نهادن نخواهد بررسد، پهلو ازمه شستن دو زنگیک است - اسان
برهم هستند که نظرات و اینجان هردو بخرند و دالان در تکمیر هستند
بورو خواب را با آمان کوئی پیش - سکنار یکنار خود مستعفول

در مجلس

فولاد آبدیلده
قبل پنجم
سرچ هر روز گشت مایوس است بروز پاییز همان
ب اینه اصلی شدیده در فصیح یا کن گشت کوچ
باکانه بوده
که سرچ جوش اخاذه بوده اهلی بیوهی از این
که کردند و از اینکه سرچه داشتند و در این اعماق مادر
که سیلی بوده
دوشنبه ای برآمد و آرام از دور صدی ایران امیری نیز
در در غصه ای از همان دویست و سی و سه ساعت و دو دقیقه
که کن و داده اند از استکه یعنی اطراف و آ
پیشتر سرت تعلق بوده
تو قهر حکومت ظالم اهلن شدیده
۰۰۹
پس است آرام و طلبانی

برجه: شهابی هر قدر مردگه پشم و سوچ از شود
سرسته: مردم میورونه کوکوار و خا دست
آنده: هسته که خطر افتادن در گوکله و شکنگن گرس
مرگانک: آن خود رخوب میداند از همه موافق باشند
گرمه: مسک است و هنین شدن چنان جراحت آلتمن و طبله
پوشان: ناخواهد برداشت و پهنت از همه شستن در ناریک
پوشان: هسته که شترات و اجاج خود ریخته بخورد و داده
خود رخوب را با آن کاری پست و سکنگان که

